

بررسی قتل در فراش در حقوق کیفری ایران

حمید گمشادزهی^۱

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرمشناسی

نویسنده مسئول:

حمید گمشادزهی

چکیده:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و اصلاح قوانین و مقررات براساس موازین شرعی، بسیاری از قوانین حاکم بر جرائم و مجازاتها بازنگری شدند که در حوزه حقوق جزا، این امر منجر به تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی گردید. بنابراین فرض، قانون مذکور از مقررات فقهی اقتباس گردیده، لکن در اکثر این مقررات به دلیل عدم وجود سابقه پیروی شده است. از جمله کتاب پنجم آن با عنوان «تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده» در دویست و سی و دو ماده و چهل و چهار تبصره در دوم خردادماه ۱۳۷۵ به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی رسیده و شورای نگهبان نیز در ششم خرداد ماه همان سال آن را تأیید کرده است.

واژگان کلیدی:

قتل در فراش ، حدود، دفاع مشروع، قانون مجازات اسلامی.

مقدمه:

ماده ۶۳۰ قانون مزبور راجع به قتل در فراش است که هم دارای حکم فقهی است و هم قضایی و موضوع آن در ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سابق نیز مورد حکم قرار گرفته بود، هرچند قانون مجازات اسلامی سال ۶۲ و ۷۰ به این موضوع اشارهای نداشت.

به موجب ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد میتواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد، فقط مرد را میتواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح نیز در این مورد مانند قتل است.» نخستین متن قانونی که در مورد موضوع و حکم ماده ۶۳۰ قانون مجازات عمومی در قوانین ایران وضع شده ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی مصوب دی ماه ۱۳۰۴ است. به موجب این ماده: «هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا درحالی که به منزله وجود در یک فراش است، مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هردو شود از مجازات معاف است. هرگاه به طریق مزبور دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی ببیند و درحقیقت هم علاقه زوجیت بین آنها نباشد و مرتکب قتل شود به یک ماه تا شش ماه حبس جنجهای محکوم خواهد شد و اگر در مورد قسمت اخیر این ماده مرتکب جرح یا ضرب شود به حبس جنجه ای از یازده روز تا دوماه محکوم میشود.» تصویب ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی بیشتر با اقتباس از قانون جزای فرانسه صورت گرفته بود و به این علت، حکم این ماده در حقوق ایران سابقه تاریخی مدون ندارد.

قانگذار فرانسه در شق دوم ماده ۳۲۴ قانون جزا مصوب ۱۸۱۰ پس از آنکه میگوید: «علیالاصول قتل زن به وسیله شوهر یا قتل شوهر به وسیله زن از مجازات معاف نیست، مگر آنکه زندگی مرتکب قتل در خطراتاده باشد» مقرر میدارد: «مع ذلک در صورتی که مردی همسر خود را درخانه مشترک زوجیت درحال زنا(به گونهای که در ماده ۳۳۶ همین قانون پیش بینی شده است) مشاهده کند و مرتکب قتل همسر خود و مرد اجنبی شود، از معافیت قانونی برخوردار خواهد شد.» همانطور که مشاهده میشود در مقرر مذکور فقط خانهای که شوهر به اتفاق همسرش در آن سکونت دارد فراش محسوب شده است و لذا ورود مرد به خانه و مشاهده زن با مرد اجنبی باید ناگهانی باشد با تبانی شوهر و همسر باشد مشمول معافیت نیست. مطابق ماده ۳۲۶ قانون اخیرالذکر مجازات چنین قتلی به یک تا پنج سال حبس تقلیل پیدا کرده است البته شق دوم ماده ۳۲۴ و نیز ماده ۳۳۶ و ۳۳۹ قانون مذکور به موجب قانون ۱۱ ژوئیه سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید و در تاریخ اول مارس ۱۹۹۴ به اجرا گذاشته شد، اثری از آن دیده نمیشود. به موجب قانون جدید ارتکاب زنا توسط زن شوهردار یا مرد زن دار صرفاً موجبات درخواست طلاق است. از طرف دیگر باید اذعان داشت که موضوع «قتل در فراش» و تجویز ارتکاب قتل زنی که به همسر خود خیانت کرده و در فراش مرد بیگانه حاضر شده، از موضوعاتی است که بحث از آن حتی در قدیمیترین تمدنها نیز وجود داشته است. از نظر آشوریه‌ها، قتل زن در حال زنا توسط شوهر به دلیل خیانت وی، حق مسلم مرد به شمار میرفت. در امپراتوری ژاپن اگر شوهری، همسر خود را درحال خیانت و ارتکاب زنا با مرد بیگانه مشاهده میکرد، میتوانست هر دو آنها را بی درنگ بکشد {۱۵}. در یونان باستان و در قرن پنجم، قصاص مستقیم در شرایط خاص مجاز بود و به همین دلیل اگر مردی مشاهده میکرد که بین زن یا مرد

یا رفیقہ یا خواہر یا دخترش با مرد بیگانه رابطہ نامشروع برقرار است، قتل آنها بر وی مجاز بود {۱۵}. البتہ در حقوق رم قدیم علاوہ بر شوہر بہ پدرنیز چنین حقی دادہ شدہ بود کہ اگر ہمسر یا دختر خود را در حالتی کہ با مرد بیگانه رابطہ نامشروع برقرار کردہ است، ببیند، اقدام بہ قتل آنان کند. این امر ریشہ در مفاہیم قدیمی و اولیہ اقتدار و سلطہ شوہر و پدر در رابطہ با زن و دختر خود درشوون زندگی داشت {۱۹}. بہ دلیل وجود چنین حکمی درتمدنهای قدیمی در طول قرنهای متمادی، این حکم در قوانین بسیاری از کشورها پیش بینی گردید. ازجملہ مادہ ۳۷ قانون جزای پرتغال و مادہ ۴۲۸ قانون جزای موناکو و مادہ ۴۱۳ قانون جزای بلژیک مصوب ۱۸۶۷ و مادہ ۵۸۷ قانون جزای ایتالیا مصوب ۱۹۳۰ بہ بیان حکم این موضوع پرداختہاند {۱۵}. همچنین در قوانین پارہای از کشورہای عربی نیز در این مورد احکامی وجود دارد. از جملہ بہ موجب مادہ ۱۵۳ قانون جزای کویت مصوب ۹۶۰ و مادہ ۴۰۹ قانون مجازات عراق مصوب سال ۱۹۶۹ مجازات چنین قتلی حداکثر سہ سال حبس تعیین شدہ {۱۳} و در واقع مرتکب از معافیت نسبی برخوردار شدہ است. طبق مادہ ۲۳۷ قانون مجازات مصر مصوب سال ۱۹۳۷، مجازات قتل مزبور بہ مدت متناسبی حبس بدل از مجازات اعدام و حبس با اعمال شاقہ - مقرر در مادہ ۲۳۴ و- ۲۳۶ تقلیل یافته است {۱۸}

۲- بحث و بررسی

سؤالی کہ در عمل مطرح میشود این است کہ اثبات موحہ بودن قتل مرد اجنبی و زن شوہردار در فراش بہ عہدہ کیست، قاتل یا اولیای مقتول؟ بہ عبارت دیگر آیا مادہ مذکور بر براءت قاتل دلالت دارد و بار دلیل اثبات خلاف موضوع، یعنی خلاف آن چہ مورد ادعای اوست بر عہدہ اولیای دم مقتول است یا اصل بر براءت مقتول است و قاتل باید اتهام مورد ادعا را بہ اثبات برساند؟ از نظر تعریف حق، بین مرحلہ ثبوت آن تفاوت وجود دارد. مرحلہ ثبوت حق یا واقعہ حقوقی، تحقق امر در مرحلہ واقعی است و مرحلہ اثبات تحقق آن در مرحلہ استدلال است. بہ عبارت دیگر صاحب حق باید بتواند در مرحلہ اثبات، «حق ثبوتی» خود را با دلیل بہ اثبات برساند، یعنی مرحلہ ثبوت حق، مرحلہ وجود واقعی حق بدون توجہ بہ ظہور خارجی آن است و مرحلہ اثبات، ظہور خارجی آن و قطعی کردنش در نزد محکمہ است کہ در ہر حال بین دو مرحلہ مذکور تلازم وجود دراد و بہ استناد قاعدہ «البینۃ علی المدعی» ہر کس کہ مدعی حق ثبوتی باشد باید برای اثبات آن دلیل رایہ دہد.

بہ این لحاظ موضوع مادہ قانون مجازات اسلامی نیز مانند ہر پدیدہ حقوقی دیگر دارای دو مرحلہ ثبوتی و اثباتی است. لذا بررسی موضوع مذکور در دو مرحلہ بہ عمل میآید:

یکی مرحلہای کہ مربوط بہ شرایطی است کہ در صورت جمع آنها مصداق منطبق یا مادہ مذکور در مرحلہ ثبوتی تحقق پیدا میکند. اینکہ چہ کسی باید براءت خود را ثابت کند یا اتهام طرف مقابل را بہ اثبات برساند مربوط بہ چہ مرحلہ اثباتی است.

الف) مرحلہ ثبوتی

قانونگذار در مادہ ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی قتل مرد اجنبی در حال ارتکاب زنا با زن شوہردار و همچنین قتل زن در صورت تمکین بہ این عمل را بتوسط شوہر مجاز دانستہ است و بہ شوہر اجازہ دادہ کہ بہ قتل یا ضرب و جرح آنان اقدام کند. اما باید

توجه داشت که مجاز بودن ارتکاب قتل در این مورد مشروط به وجود شرایطی است و فقط در صورت اجتماع این شرایط، شوهر معاف از مجازات خواهد بود که مرحله ثبوتی واقعه است. شرایط مذکور به شرح زیر است:

اول) وجود علقه زوجیت

مقنن جمهوری اسلامی حکم این ماده را ناظر به مواردی دانسته است که شخص شاهد ارتکاب زنا توسط همسر خود باشد، بنابراین اگر مردی شاهد زنا یا دیگری ولو خواهر، دختر یا مادر خود با مرد اجنبی باشد، مجاز به ارتکاب قتل و حتی ضرب و جرح نیست و در صورت ارتکاب قتل یا ضرب و جرح، حسب مورد مجازات خواهد شد، در حالی که ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سابق، در مورد پدر و برادری که دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی در یک فراش مشاهده میکرد و مرتکب قتل آنها میشد معافیت نسبی از مجازات قائل بود که در حال حاضر این معافیت منتفی است. احراز وجود رابطه زوجیت با توجه به مقررات مندرج در کتاب هفتم قانون مدنی صورت میگیرد که در این مورد با توجه به اطلاق کلام، منظور از نکاح، نکاح دایم و منقطع است. اگر چه بعضی از حقوقدانان این حکم را فقط ناظر به عقد دائم میدانند {۴} اما در اقوال و گفتار فقها تفاوتی بین دائم یا موقت بودن نکاح وجود ندارد

{۱۲}. حتی به نظر بعضی از حقوقدانان، طلاق رجعی رابطه زوجیت را قطع نمیکند و لذا اگر شوهر در مدت عده طلاق رجعی وضعیت مذکور را مشاهده کند و مرتکب قتل شود از معافیت مذکور استفاده میکند {۱۸}. هر چند مطابق ماده ۱۱۴۹ ق.م.ل.ف یا فعلی که دلالت بر رجوع دارد، باید مقرون به قصد رجوع باشد، و حال آنکه در چنین موردی شوهر قصد رجوع ندارد، بلکه قصد وی ایراد ضرب و جرح یا قتل بوده اس، به علاوه شوهر با طلاق زن علقه زوجیت خود را گسیخته است. لذا دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۰۹۴-۱۹/۴/۱۲ گفته است: «انحلال نکاح، شوهر نمیتواند از عذر برانگیختگی استفاده کرده و حتی نمیتواند زانی و زانیه را تحت تعقیب جزایی قرار دهد» {۱۹}. به علاوه ممکن است همان طور که ماده ۱۷۹ ق.م.ع. پیش بینی کرده بود صرف همبستری را برای محق بودن مرد در اقدام مذکور کافی بدانیم، در حالی که مقنن به عنوان مضیق و محدود «زنا» توجه خاص داشته است. لذا به استناد مقررات موجود صرف قرار گرفتن مرد اجنبی و همسر در یک فراش کافی برای مجاز بودن قتل آنها نیست، زیرا عرفاً فراش مکانی است که عادتاً فراش مکانی است که عادتاً هیچ زنی بدون شوهر خود به آنجا نمیرود و حسب رویه قضایی سابق هم مفهوم «حالت در یک فراش یا به منزله یک فراش» بسیار موسع تلقی میشد و فقط عنصر موقعه و هتک ناموس در نظر گرفته نمیشد. از جمله شعبه دوم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۰۶۴۴/۲۴۷۱ مورخ ۱۳۱۶/۱۱/۱۰ چنین نظر داده است: «اعتراض مدعیالعموم استیناف بر محکمه جنایی بر آنکه «اظهارات متهم نزد مأمور امنیه حاکی است که مشارالیه عیال خود را در حال ارتکاب و یا حالتی که منزله یک فراش باشد ندیده و اگر مشارالیه عیالش را در حالت موقعه مشاهده نموده بود در همان محل به قتل او اقدام میکرد»، نقض حکم مورد درخواست را ایجاب نمیکند، زیرا به طوری که از حکم مزبور مستفاد است در نتیجه تحقیقات و به موجب دلایل و نشانیهای استنادیه، اقدام متهم را به قتل زن خود در حالتی که به منزله وجود در یک فراش و مقاون با مشاهده وضعیت مزبور بوده احراز کرده و با این کیفیت اعتراض مدعی العموم استیناف در حقیقت رجوع به ماهیت امر و ایراد به نظر و تشخیص محکمه حاکمه است و بر حسب استنباط از دلایل و تحقیقات

که اصولاً این اعتراضات را نمیتوان مورد نظر تمیزی قرار داد، چون از لحاظ اصول و قانون اشکال مؤثر موجب نقض به نظر نمیرسد حکم مورد درخواست تمیز به اتفاق آرا ابرام میگردد». تعمیم مصداق فراش به صورتی که در رأی آمده با امنیت قضایی مغایر است.

دوم) مشاهده زن و مرد اجنبی در حال زنا توسط شوهر

تاکید ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بر مشاهده زن و مرد اجنبی در حال زنا توسط شوهر، دادگاه را مکلف به بررسی این ادعا میکند، یعنی باید آنها در حال عمل زنا بوده باشند تا قتل انجام شده توسط شوهر مجاز شمرده شود. لذا دیدن فیلم و عکس از واقعه مورد بحث مجوز مشروعیت قتل نیست و رؤیت فیزیکی همسر ملاک است، نه دیگران. در این صورت، اثبات وقوع عمل زنا برعهده قاتل (شوهر) است. فقها نیز بر شرط اینکه مرد باید همسر خود را در حال زنا با اجنبی مشاهده کند اتفاق نظر دارند {۷} اما باید توجه داشت که از نظر ایشان اباحه ارتکاب قتل توسط شوهر را از مجازات معاف دارد، او باید بتواند وقوع عمل زنا را اثبات کند. لذا اگر انجام یافتن عمل زنا قطعی نباشد و براساس شبهه مرد باشد، ارتکاب قتل جایز نیست. مثلاً اگر زن و مرد اجنبی داری پوشش متعارف بوده، مشغول انجام اعمال دیگری غیر از زنا مانند مضاجعه و تقبیل و امثالهم باشند به دلیل عدم تحقق شرط (در حال زنا بودن) قتل آنها مجاز نیست. به رغم نظر مذکور ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی مورد را تعمیم داده بود و با آوردن عبارت «یا در حالتی که به منزله وجود یک فراش است» دایره شمول حکم معافیت را به غیر مورد زنا هم توسعه داده بود که به لحاظ فقهی صحیح نبود. از نظر اثبات وقوع زنا نیز چون اقرار به دلیل کشته شدن زانی و زانیه منتفی است، شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل که شاهد زنا بوده‌اند، لازم است که در این صورت، موضوع نزد حاکم شرع باید ثابت شود (ماده ۷۴ قانون مجازات اسلامی) یا طبق ماده ۱۰۵ قانون مذکور با علم قاضی اثبات گردد. به هرحال بدون اثبات زنا، قتل مذکور مباح نبوده و چنانچه این امر در دادگاه ثابت نشود، مرتکب از مجازات معاف نخواهد بود و قصاص میشود. به علاوه شرط مشاهده زنا و مرد اجنبی مقید به مشاهده شوهر است و چنانچه افراد دیگری وی را از وقوع زنا توسط همسرش با مرد اجنبی مطلع کنند یا واقعه را از طریق فیلم و عکس مشاهده کند و بعد از ارتکاب زنا توسط آن دو اقدام به قتل کند، از معافیت مزبور برخوردار نخواهد شد.

در تعریف زنا دادگاه باید به ماده ۶۳ قانون مجازات اسلامی که مقرر میدارد: «زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است گرچه در دبر باشد، در غیر موارد و طی به شبهه» توجه داشته باشد. برای تحقق زنا و اثبات آن براساس ادله شرعی که مقنن نیز در قانون مجازات اسلامی به آن توجه کرده، شرایطی لازم است که در عمل اثبات آن تعلیق به محال یا لااقل بعید است و به این لحاظ در بسیاری از موارد احراز شرایط تحقق ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی مشکل است و لذا پیشنهاد این است که به جای در نظر گرفتن مقرره مستقلی در این موضوع، از سایر مقررات معاف کننده مانند ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی استفاده شود تا پیشبینی این ماده در قانون، شبهه مجوز «زن کشی» را که ممکن است مورد ادعای بعضی قرار گیرد، ایجاد نکند.

سوم) ارتکاب قتل در حین مشاهده عمل زنا

به موجب ماده مذکور شوهر صرفاً بلافاصله بعد از مشاهده جرم ارتكابی، حق کشتن دارد و چنانچه فیالمجلس اقدام نکند، بعد از جدا شدن زن و مرد اجنبی از هم چنین مجوزی برای او نیست.

مفهوم این ماده دلالت براین امر دارد که فقط زمانی مرد از قصاص معاف است که بلافاصله بعد از دیدن عمل زنا توسط همسر خود با مرد اجنبی، اقدام به قتل کند و چنانچه بعد از اتمام عمل و خارج از وقت و محلی که عمل مزبور در حال انجام است مرتکب قتل شود، چنین بعد از اتمام عمل و خارج از وقت و محلی که عمل مزبور در حال انجام است مرتکب قتل شود، چنین قتلی جنبه انتقام دارد و مقنن ارتکاب چنین قتلی را ممنوع میداند، اگرچه ممکن است که بتوان چنین موردی را از مصادیق ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی مهدورالدم بودن زن و مرد اجنبی دانست که البته اثبات آن هم محتاج دلیل است و قاتل باید استحقاق قتل آن دو را براساس موازین شرعی و قانونی در درگاه ثابت کند {۸}

چهارم) علم به تمکین

برای مجاز بودن مرد در قتل همسر خود علاوه بر شرایط بالا، او باید عالم به تمکین و رضایت زن به عمل زنا توسط مرد اجنبی باشد. این شرط ناشی از آن است که در مباحث فقهی زنا، فقها وجود قصد و اراده را در مرد مفروض میدانند، لکن در مورد زن به احتمال وجوه اکراه از طرف مردنسبت به زن تفاوت قائلند و لذا در این فرض نیز قائل به لزوم یقین شوهر به تمکین همسر خود برای مجاز قتل او شدهاند. احراز این شرط در عالم اثبات دشوار است و برای جلوگیری از معاف بودن قتلهایی که به صرف ظن و گمان واقع میشوند بسیار مهم است. همچنین در صورت یقین شوهر به مکره بودن زن خود قطعاً کشتن او مجاز نیست و شوهر فقط حق کشتن مرد بیگانه را دارد.

ب) سابقه فقهی موضوع

باتوجه به اینکه بنابر فرض، مقرر مذکور متخذ از فقه اسلامی است و مقنن در تصویب آن به سوابق فقهی حکم توجه داشته، بررسی مستندات فقهی این حکم لازم به نظر میرسد.

غالب فقهای امامیه و اهل سنت در کتابهای فقهی خود با استناد به روایات وارد در این خصوص به بیان شرایط اجرای حکم و دلایل و علت وضع آن پرداختهاند. از جمله این مستندات، روایاتی است که در این باب وارد شده است و فقها براساس آنها، به بیان حکم پرداختهاند.

اول) روایات

یک) شهید اول در کتاب دروس به روایات مرسلی به مضمون «روی انه لو وجد رجلاً یزنی بامرأته فله قتلها» {۹} استناد کرده است، یعنی اگر شخصی، مردی را در حال زنا با همسرش ببیند میتواند هردو را به قتل برساند. این روایت، تنها روایتی است که منطوق آن برحکم ماده مزبور دلالت دارد. با مذاقه در کتابهایی که قبل از کتاب دروس شهید اول تحریر شدهاند، معلوم میشود که چنین روایتی در هیچیک از کتابهای فقهی نیامده است و فقهایی که بعد از شهید اول به نقل این روایت پرداختهاند، مأخذ روایت را کتاب مذکور قرار دادهاند {۱۷}.

دو) از جمله روایاتی که توسط فقهای شیعه و سنی وبا عبارات مختلف در این باب نقل شده، روایت سعدبن عباد، یکی از اصحاب پیامبر(ص) است. در خصوص این روایت نقل کردهاندکه پس از نزول آیه چهارم سوره مبارکه نور که بیان کننده حد قذف است، بحث این آیه در بین اصحاب پیامبر مطرح شد و اصحاب با خطاب قراردادن سعدبنعباده به وی گفتند: اگر مرد بیگانه‌ای را در بستر همسرت ببینی، چه خواهی کرد؟ سعد در پاسخ گفت: گردن مرد بیگانه را با شمشیر میزنم. در این هنگام پیامبر(ص) وارد شدند و موضوع را از سعد پرسیدند و پس از نقل موضوع توسط سعد، پیامبر(ص) فرمودند: ای سعد، پس مسأله چهار شاهد که خداوند فرموده است، چه میشود؟ سعد عرض کرد: آیا با مشاهده من و علم خداوند برای هرچیزی حدی قرار داده و برای کسی که از آن حد تجاوز کند، نیز حدی قرار داده است {۳}.

در استدلال به این روایت باید گفت که این روایت در مقام بازداشتن شوهر از قتل بیگانه، به محض مشاهده عمل زناست و حتی زمانی که شوهر شاهد ارتکاب زنا توسط همسر خود با مرد اجنبی است و شهودی که از نظر شرعی برای اثبات موضوع لازم است، وجودندارد، حق قتل ایشان را نخواهد داشت.

نتیجه آنکه در بیان حکم جواز قتل مرد اجنبی و زن توسط شوهر به هنگام ارتکاب زنا، فقط به مفهوم این روایت استناد شده است که استنباط چنین مفهومی از روایت مزبور دشوار به نظر میرسد.

سه) روایت سعیدبن مسیب بدین مضمون که مردی در شام بیگانه‌ای را با همسرش در حال زنا دید و اقدام به قتل مرد وهمسر خود کرد. سپس معاویه به ابوموسی اشعری نوشت که حکم موضوع را از علی(ع) بپرسد. حضرت در پاسخ فرمودند: «چنانچه» چهار شاهد بر تصدیق ادعای خود اقامه نکند، کشته میشود {۲}.

همانگونه که ملاحظه میشود در این روایت نیز تأکید شده است که فقط هنگامی شوهر مجاز به ارتکاب قتل زن و مرد اجنبی است که بر ادعای خود چهار شاهد اقامه کند و این روایت بر جواز قتل توسط شوهر دلالتی ندارد. بنابراین حکم جواز قتل را نمیتوان بر مبنای آن صادر کرد.

چهار) روایت فتح بن زید جرجانی از امام موسی کاظم (ع) که نقل میکند: به امام عرض کردم کسی به قصد دزدی یا فجوز وارد خانه دیگری میشود وصاحبخانه او را به قتل میرساند، آیا قاتل مجازات میشود یا نه؟ امام (ع) فرمودند: بدان هر کس بدون رضای صاحبخانه وارد خانه دیگری شود، خون او هدر است و بر قاتل او چیزی واجب نیست {۵}.

پنج) روایت منقول از امام صادق که فرمودند: «هرکس خانه مردم را دید بزند واز روزنه به آنجا نگاه کند واهل خانه او را بکشند یا چشم او را کور کنند، مسؤولیتی ندارند {۵}

دو روایت اخیر از جمله روایاتی هستند که ناظر به بحث دفاع از جان و مال وناموسندکه در آنها ارتکاب قتل به خاطر دفاع وراندن مهاجم تجویز گردیده استم. البته باید گفت که در بحث دفاع ،مدافع باید آسانترین راه ممکن را برگزیند و چنانچه مهاجم دفع نشود، آخرین راه دفع وی ارتکاب قتل خواهد بود والا به طور ابتدایی قتل مهاجم جایز نیست، چنانچه بند «ج» ماده ۶۲۷ قانون مجازات اسلامی هم به این امر تصریح کرده است: «توسل به قوای دولتی یا هرگونه وسیله آسانتری برای نجات مسیر نباشند».

شش) از امیرالمومنین علی(ع) روایت شده که ایشان درمورد مردی که دیگری را کشته و مدعی بود که او را با همسر خود در حال زنا دیده است، فرمودند که قاتل باید قصاص شود، مگر آنکه بر ادعای خود بینه ارائه کند {۵}.

دوم) آرای فقها

ببررسی کتابهای فقهی امامیه روشن میشود که موضوع جواز قتل زن و مرد اجنبی در حال ارتکاب زنا توسط شوهر، برای اولین بار در کتاب شیخ طوسی مطرح شده است. پس از شیخ طوسی، محقق حلی در کتاب نکاتالنهاییه ضمن بحث در باره موضوع به طور قاطع و به صورت مطلق اینگونه حکم را بیان کرده است: «اگر کسی مردی را کشت و ادعا کرد که او را با زن خود یا در خانه خود دیده است قصاص میشود، مگر آنکه به گفته خودبینه اقامه کند {۱۶}».

در کتاب شرایع الاسلام و در مسایل ملحق به احکام زنا این حکم بیان شده و بعد از آن بسیاری از فقها همین حکم را بیان کرده‌اند. نهایت آنکه، شهید اول در کتاب دروس خود به ذکر روایت مرسله‌ای که صریحاً جواز قتل را میرساند پرداخته است و این روایت پس از او مورد استناد بسیاری از فقها قرار گرفته است. از میان فقهای متأخر، صاحب جواهر در کتاب حدود به بیان این موضوع پرداخته است. ایشان پس از ذکر عقاید مختلف فقها میگوید که ممکن است تجویز قتل در بیان حکم واقعی امر باشد، اگرچه گناهی بین او و خدای او نباشد، ولی از نظر ظاهر، قصاص بر قاتل (شوهر) ثابت است، مگر آنکه وی بینهای بر ادعای خود اقامه کند یا ولی دم او را تصدیق کند و در این راه به پاسخ امیرالمومنین (ع) به اموسی اشعری اشاره میکند که آن حضرت فقط اقامه چهار شاهد توسط شوهر را رافع فصاص دانسته‌اند {۱۲}.

شهید ثانی نیز این حکم را مشهور بین اصحاب دانسته و معتقد است که مخالفی در مورد این حکم وجود ندارد و ادامه میدهد: اگر مردی، بیگانهای را با همسرش در حال زنا مشاهده کند، میتواند هر دورا بکشد و به خاطر این قتل گناهی بر او نیست، گرچه استیفای حد در غیر این مورد منوط و متوقف بر اذن حاکم شرع است {۱۰}.

مرحوم آیه الله خویی در بررسی مستندات مذکوره، برخی دیگر را ناظر به مورد دفاع میداند و نتیجه میگیرد که هیچ یک از روایات باب دفاع بر نظر مشهور دلالت ندارد. همچنین در مورد روایت مرسله شهید اول نیز ایشان معتقدند که چون قبل از شهید کسی این روایت را ذکر نکرده است، نمیتوان قائل به استناد قول مشهور به روایت مزبور شد، بلکه ضعف این روایتبه لحاظ مرسله بودن با عمل مشهور جبران شده است. ایشان درمسأله ۸۹ کتاب خود، قول مشهور را خالی از اشکال ندانسته بلکه ممنوع میداند و از دادن فتوا به جواز قتل خودداری میکنند {۷}. فقهای دیگری نیز مستندات و روایات مربوط به جواز قتل را قویاً رد کرده، از دادن فتوا به جواز قتل خودداری کرده‌اند {۱۶}.

به هر حال میتوان گفت علت وضع حکم ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی قول مشهور فقهاست که به تبع شیخ طوسی و محقق حلی بدین طریق فتوا داده‌اند. با نگاهی به مسأله ۲۸ کتاب دفاع از تحریرالوسیله امام خمینی(ره) و مقایسه آن با متن ماده ۶۳۰ قانون مذکور در میابیم که عبارت قانون، ترجمه عبارت مذکور است که ایشان صریحاً چنین قتلی را تجویز کرده‌اند، هر چند که معتقدند چنین اجازهای بنابر واقع و نفسالامر است، اما در ظاهر قاضی بر اساس موازین شرعی قضاوت میکند و چنانچه شوهر بینهای در تایید گفتارش اقامه نکند به قصاص محکوم میشود {۶}.

از مجموعه نظریات فقه‌های اهل سنت نیز اینگونه برداشت میشود که نظر اکثر ایشان بر این است که اگر شوهر، مردی را در حال زنا با همسر خود ببیند و او را به قتل برساند و زنا‌ی محصنه وی را اثبات کند، قصاص نخواهد شد و برخی دیگر احسان را شرط ندانسته‌اند و در صورت اثبات موضوع، شوهر را از قصاص معاف میدانند. البته در عدد شهود لازم برای اثبات موضوع اختلاف نظر وجود دارد {۲}.

ج) حکمت و علت حکم

در بیان علت حکم جواز قتل و معاف بودن شوهر از مجازات قتل همسر خود و مرد اجنبی، نظرهای متعددی توسط دانشمندان ارایه شده است که به مواردی از آنها اشاره میشود:

اول) تهییج و تحریک روحی

در کلمات هیچ یک از فقه‌ها، حداقل به طور صریح، عصبانیت و برانگیختگی شوهر، مجوز قتل یا عذر معاف بودن وی از مجازات شناخته نشده است

{۱۷}. بنابراین برخلاف توجیه حقوقدانان از ماده ۱۷۹ قانون مجازات اسلامی بق براینکه مرد با مشاهده همسر خود در فراش مرد اجنبی، تحریک و برانگیخته میشود یا گرفتار چنان حالت روحی و عصبی میشود که احتمالاً کنترل اعصاب و اراده خود را برای لحظهای از دست میدهد و در آن لحظه ممکن است دچار رفتار مجرمانهای علیه همسر خود و مرد اجنبی شود و به دلیل نامشخص بودن رفتاری که از وی سر میزند و معلوم نبودن اینکه از روی اراده سالم و با تسلط بر قوای دماغی خود چنین کرده یا از روی اراده معیوب، مقنن در مورد او با اغماض نگریسته و وی را مستحق معافیت از مجازات جرم ارتكابی دانسته است {۱}، در مورد ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی که برگرفته از متون فقهی است نمیتوان چنین توجیهی را پذیرفت، چرا که در کلام فقه‌های متقدم و متأخر، اشارهای به برانگیختگی و تهییج روحی شوهر با مشاهده صحنه زنا‌ی ارتكابی همسرش با بیگانه نشده است. بنابراین نمیتوان حکم ماده اخیرالذکر را از جمله موارد تحریک با تهییج روحی قلمداد کرد.

دوم) دفاع از عرض و ناموس

در مورد دفاع از عرض، این اتفاق نظر نزد فقه‌ها وجود دارد که چنانچه مردی اراده تجاوز به زنی کند و دفاع متوقف بر قتل مهاجم باشد واجب است که متجاوز منع شود و حتی به قتل برسد {۹}. بر همین اساس، عده‌ای از فقه‌ها، بحث حاضر یعنی حکم ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی را در باب دفاع از عرض و ناموس برآمده‌اند. از جمله شیخ طوسی این بحث را در کتاب «الدفع عن النفس» آورده است {۱۱}. همچنین امام خمینی (ره) این مسأله را در آخر مبحث امر به معروف و نهی از منکر و در باب دفاع مطرح کرده است {۶}.

به هر حال اعتقاد به اینکه عمل ارتكابی شوهر در مقام دفاع از عرض و ناموس است، در همه حال یکسان نیست. درجایی که زن ممنوع از عمل زنا باشد و مرد اجنبی، با علف و اکراه، زن را مجبور به زنا کرده باشد و در آن حال شوهر مرتکب قتل شود، چنین قتلی با تعریف و ضوابط دفاع مشروع منطبق است، اما چنانچه زن خود به انجام یافتن عمل زنا تمایل داشته باشد و به مرد اجنبی تمکین کند، انطباق این حکم با بحث دفاع مشروع، دشوار به نظر میرسد، هر چند که برخی از حقوقدانان مفهوم دفاع

مشروع را توسعه داده، موردی که زن در ارتکاب زنا رضایت داشته است را نیز از موارد دفاع مشروع و معافیت از مجازات می‌شمرند. از طرف دیگر، برخی در توجیه حکم مزبور، دفاع مشروع را به دفاع مشروع عام و خاص تقسیم می‌کنند و مورد دفاع مشروع خاص را جایی میدانند که مرد اجنبی علیرغم میل باطنی زن و با اکراه و عنف در صدد انجام دادن زنا با وی برمی‌آید و چنانچه در همین مورد زن رضایت داشته باشد و شوهر اقدام به دفاع کند، آن را از مصادیق دفاع مشروع را صیانت از اخلاق و نظم و امنیت جامعه و دفاع منکر دانسته‌اند {۱۴}. چه بسا بر مبنای همین استدلال باشد که برخلاف قانون مجازات عمومی سابق که مقنن ماده ۱۷۹ را در ردیف مواد مربوط به دفاع مشروع ذکر نکرده بود، در قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۳۰ در ذیل مواد ۶۲۵ تا ۶۲۹ که به مبحث دفاع مشروع مربوط می‌شود، آمده و به این لحاظ میتوان گفت مقنن جمهوری اسلامی بر نظر اخیر تاکید داشته است.

سوم) اجرا و اقامه حد الهی

جمعی از فقهای امامیه، حکم ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی را در ملحقیات احکام مربوط به حد زنا ذکر کرده‌اند که به نظر میرسد عمل شوهر را به عنوان اجرای حد و حکم الهی تلقی کرده، او را در این کار مجاز دانسته‌اند. البته علی‌الاصول حد پس از ثبوت آن نزد حاکم شرع، باید به وسیله او صورت پذیرد، ولی در این مورد اجرای این حکم به صورت استثنایی توسط شوهر، تجویز شده است.

از جمله ، محقق حلی در کتاب شرایع درمسأله هفتم از مسایل دهگانه ملحق به باب زنا، این حکم را ذکر کرده است. شهید اول در کتاب دروس، این موضوع را در «کتاب الحسبه» و در بحث امر به معروف و نهی از منکر و اینکه چه کسانی مجاز به اقامه و اجرای حد هستند، ذکر کرده است. به نظر ایشان، همان گونه که صاحب برده میتواند حد الهی را بر برده خود جاری کند، شوهر نیز میتواند همسر خود را به دلیل ارتکاب زنا با اجنبی به قتل برساند و این حد را اجرا کند {۹}.

شهید ثانی در شرح لمعه ضمن بیان حکم، هر چند اجرای حد در غیر این مورد را منوط به اذن حاکم میدانند، جواز قتل زن و مرد اجنبی توسط شوهر را از جمله اقوال مشهور بین اصحاب دانسته است {۱۰}.

به طوری که ملاحظه میشود، فقهای مذکور ضمن پذیرش این اصل که اقامه و اجرای حدود الهی از وظایف حاکم شرع است، به عنوان یک استثنا بر اصل در صدد توجیه حکم مذکور برآمده‌اند و شوهر را در اجرای حد زنا مجاز دانسته‌اند، اما علی رغم این استدلالات چنین استثنایی موجه به نظر نمی رسد و اصولاً نمی توان یکی از موارد مذکور را علت حکم قلمداد کرد، تئوری عامل موجه استثنایی میتواند به عنوان مبنای حکم مورد پذیرش قرار گیرد، بدین معنا که حکم ماده مذکور از جمله مواردی است که مقنن در تطبیق شرایط لازم برای دفاع مشروع، استثنایی بر اصل قائل شده و حتی در صورت فقدان بعضی از شرایط لازم برای دفاع مشروع، نظیر شرط تناسب و ضرورت، آن را از مصادیق دفاع مشروع به شمار آورده و به عنوان یکی از موارد ممتاز دفاع مشروع قلمداد کرده است. ان توجیه نیز چندان با واقعیت منطبق نیست و به هر حال به لحاظ عدم امکان تمیز واقعیت امر از آنچه اتفاق افتاده است میتواند مورد استفاده سوء قرار گیرد، لکن به لحاظ نظری از بقیه توجیههایی که گفتیم به نظر مقنن نزدیکتر است.

(د) مرحله اثباتی

همان طور که قبلاً بیان شد مرحله اثبات موضوع ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی واجد اهمیت فراوان است، یعنی اینکه اگر واقعیات منطبق با ماده مذکور در مرحله اثبات در صورت ترافع نزد دادگاه، بار دلیل برعهده کدام طرف دعواست؟

اول) اثبات موضوع از نظر حقوقی

روش مرسوم در عالم حقوق این است که با وقوع جرم، متهم یا مظنون به محاکمه کشیده میشود. در باب قتل در حقوق موضوع ایران طرق اثبات قتل مشخص و احصا شده که عبارتند از اقرار، شهادت، قسامه و علم قاضی که شرایط هریک از آنها از بحث ما خارج است. اما اگر شوهر با اقرار به قتل، ادعا کند اقدام او مشمول ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بوده آیا میتواند گفت اقرارش علیه خودش قابل استناد است و برای اثبات ادعای مشمول ماده ۶۳۰ باید لیل ارائه کند؟ به عبارت دیگر آیا میتواند اقرار مرکب مذکور را به یک اقرار وادعا تجزیه کرد و با هر کدام برطبق اصول یعنی «اقرار العقل» و «البینه علی المدعی» عمل کرد. این تفکیک در موردی که قتل با شهادت، علم قاضی و قسامه هم ثابت میشوند وجود دارد که ممکن است قاتل مدعی شمول ماده ۶۳۰ بر عملش گردد که باید در این مرحله دلیل اقامه کند و به اصطلاح «انقلاب دعوا» یعنی جابهجا شدن مدعی و مدعی علیه حادث میشود. به نظر میرسد روش فوق با توجه به مجموعه مقررات آیین دادرسی قابل توجیه باشد که تفصیل آن برعهده صاحب نظران این رشته است.

دوم) اثبات موضوع از نظر فقهی

در بحث مرحله ثبوتی به بعضی از نظرهای فقها از جمله نظر امام خمینی (ره) اشاره شد، اما در اینجا نظر ایشان را بدین لحاظ که منبع وضع قانون بوده بیشتر بررسی خواهیم کرد. ایشان در کتاب دفاع بعد از بیان شرایط ثبوتی موضوع میفرماید: «در موردی که ضرب و جرح و کشتن جایز شمرده میشود، این جواز بینه و بینا لله است و در واقع گناه و مسؤولیتی نزد خدا وجود ندارد. اما از نظر ظاهری، قاضی باید براساس ملاک باب قضا داوری کند. لذا اگر کسی دیگری را بکشد و مدعی شود که او را در بستر همسر خود دیده است، لکن براساس مقررات شرعی شاهی برای اثبات ادعای خود نیابد محکوم به قصاص میشود، چنانکه در اشتباه و نظایر آن نیز چنین عمل میشود. {۶}».

براساس نظر مذکور، صرف ادعای قاتل بر مهدوالدم بودن مقتول موجب عدم مسؤولیت وی نمیشود و در صورت ارائه ادله شرعی (چهار شاهد عادل مرد) قصاص میشود. ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی نیز همین نظر را پذیرفته است و تأکید دارد: «قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات کند». بنابراین در موضوع مورد بحث، قاتل (شوهر) باید شرایط تحقق ماده ۶۳۰ را در مورد خاص اثبات کند تا از مجازات معاف گردد والا قصاص میشود. سیستم مورد بحث برای اثبات زنا نیز باتوجه به نظر فقها و فصل دوم از باب اول مجازات اسلامی (مواد ۸۱-۶۸) سیستم دلایل قانونی است که در آن، حدود اعتبار هریک از دلایل و شرایط آنها را قانون تعیین میکند و قاضی مکلف به رعایت آنهاست ولو منجر به قناعت وجدان او نشود. البته سیستم دلایل قانونی است که در آن، حدود اعتبار هریک از دلایل و شرایط آنها را قانون تعیین میکند و قاضی مکلف به رعایت آنهاست ولو منجر به قناعت

وجدان اونشود. البته سیستم مذکور در عمل با دشواری در اثبات مواجه است، زیرا در فرض مسأله متهم یا متهمان به زنا کشته شده‌اند و لذا اثبات موضوع از راه اقرار ایشان ممکن نیست و فقط میتوان به شهادت یا علم قاضی تمسک کرد. تمسک به شهادت هم باتوجه به مواد ۷۵ تا ۷۹ قانون مجازات اسلامی ساده نیست، زیرا شهود باید حادثه را به نحو خاص رؤیت کرده باشند و ادعای آنها معارض یکدیگر نباشد که وقوع چنین فرضی بسیار دشوار و حصول علم قاضی هم بسیار بعید است و در هر حال اثبات استحقاق قتل موضوع ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی «تعلیق به محال» است و به همین دلیل، امام(ره) و سایر فقها معتقدند در صورت عدم اثبات ادعای شوهر اگر واقعاً محق باشد بینه و بین الله مسؤولیت ندارد، اما به لحاظ دنیوی قصاص میشود و این امر با مأجور بودن او نزد خداوند منافاتی ندارد. نکته آخر اینکه ماده مذکور به شوهر حق چنین کاری را داده است نه اینکه او را مکلف کرده باشد و لذا او میتواند از اعمال حق خود خودداری کرده، و برای مجازات خاطیان به محکمه مراجعه کند یا با توسل به لعان، همسر خود را طلاق دهد.

نتیجه گیری

باتوجه به مباحث مطرح شده در این مختصر باید اذعان داشت که نظر به ایراداتی که به استدلالات راجع به توجیه حکم ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی (قتل درفراش) وارد است به درستی نمیتوان تئوریهای مطرح شده درمورد مبنای این حکم را توجیه کرد. از طرف دیگر به دلیل آنکه روایت مرسله شهیداول که به عنوان مستند فقهی این حکم معرفی شده، توسط فقها مورد تردید قرار گرفته - ولو اینکه بعضی معتقدند ضعف آن با عمل مشهور جبران شده است - لزوم احتیاط در دماء و نفوس مسلمانان و جلوگیری از سوءاستفاده برخی اشخاص از این حکم، ایجاب میکند که از فتوا دادن براساس آن خودداری شود. همچنین با توجه به وجود نص قانونی درمورد کیفیات مخففه قضایی (ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی) و امکان برخورداری مرتکب جرم از تخفیف براساس ماده مذکور، قراردادن حکم ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی در شمول کیفیات مخففه مناسبتر به نظر میرسد. به عبارت دیگر، وجود عواملی مانند «رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم» تحت عنوان اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تاثیر آنها مرتکب جرم شده- که قابل انطباق با موضوع قتل زن و مرد اجنبی توسط شوهر است و در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به آن تصریح گردیده- این امکان را برای قاضی رسیدگی کننده به موضوع فراهم میسازد که با تشخیص موضوع، مرتکب را از تخفیف مجازات برخوردار سازد. بنابراین بهتر بود که مقنن امکان تعمیم حکم ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی را به مجازاتهای شرعی معین {حدود} فراهم میساخت تا علاوه بر مجازاتهای تعزیری و بازدارنده، حدود شرعی که حکم ماده ۶۳۰ یکی از موارد آن است مشمول حکم ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی قرار گیرند، تا در موارد مشابه بدون تصویب متن قانونی که ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گیرد، قاضی در بررسی هردعوا تخفیف لازم را اعمال کند. به علاوه در صورتی که مقنن نظر به حفظ حکم ماده ۶۳۰ به لحاظ محتوایی داشته باشد به منظور جلوگیری از سوءاستفاده از حکم مذکور میتواند مورد را با ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی تطبیق دهد تا مدعی (شوهر) در صورت اثبات مهدورالدم بودن زن یا اجنبی از قصاص معاف شود. در این صورت نیازی به تعیین مقرر مستقلی مانند ماده ۶۳۰ نخواهد بود، هرچند توجیه ماده اخیرالذکر نیز مجل تأمل است و تحلیل آن احتیاج به فرصت دیگری دارد. به هر حال حفظ حکم ماده ۶۳۰ با وضعیت موجود به مصلحت جامعه نیست و با هدف «حفظ امنیت قضایی» مغایرت دارد.

منابع :

- گلدوزیان، ایرج؛ حقوق جزای اختصاصی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، چ دهم، ص ۴۸.
- [۲]. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف دایره المعارف جامع اسلامی، تهران، آرایه، ۱۳۷۹، ج ۸، چ ۳، ص ۵.
- [۳]. رحیمی نیا، مصطفی؛ فرهنگ صبا، تهران، صبا، ۱۳۸۳، چ ۲، ص ۵۲۶.
- [۴]. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸، ج ۴، چ اول، ص ۲۷۷۶.
- [۵]. ایمانی، عباس؛ فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، آریان، ۱۳۸۲، چ اول، ص ۳۶۳.
- [۶]. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، ۱۳۸۴، چ ۱۵، ص ۴۹۶.
- [۷]. حجتی، سید مهدی؛ قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، میثاق عدالت، ۱۳۸۴، چ اول، ص ۱۰۹۵.
- [۸]. زراعت، عباس؛ حقوق جزای اختصاصی (۱)، جرائم علیه اشخاص، تهران، فکر سازان، ۱۳۸۴، ص ۲۷.
- [۹]. همان، ص ۲۷.
- [۱۰]. صادقی، محمد مهدی؛ حقوق جزای اختصاصی (۱)، تهران، میزان، ۱۳۸۵، چ نهم، ص ۵۵.
- [۱۱]. همان، (۷)، ص ۱۰۹۷.
- [۱۲]. همان (۸)، ص ۲۸.
- [۱۳]. آقائی نیا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه اشخاص)، تهران، بنیاد حقوق میزان، ۱۳۸۶، چ سوم،